

دست‌نویس فرهنگ فارسی سرمه سلیمانی در کتابخانه دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ (Ms. O 174)

احسان شواربی (دانشگاه وین، اتریش)

فرهنگ فارسی به فارسی سرمه سلیمانی از تقی‌الدین محمد اوحدی بلیانی، ادیب و شاعر اوایل قرن یازدهم هجری و صاحب تذکره مشهور عرفات العاشقین است. مصنف این فرهنگ ۵۸۵۰ واژه فارسی را به ترتیب حرف اول و آخر مدخل کرده‌است و شیوه او چنین بوده که ذیل هر واژه تنها تعریفی از آن ارائه داده و از آوردن شواهد منظوم، چنان‌که از قرون قدیم در فرهنگ‌نویسی فارسی رایج بوده، پرهیز کرده‌است.

تصحیح انتقادی این فرهنگ، به سال ۱۳۶۴، به اهتمام آقای دکتر محمود مدبری و در سلسله انتشارات مرکز نشر دانشگاهی در تهران به طبع رسید. مصحح از دو نسخه خطی محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملک در تهران بهره برده‌است. مقدمه و انجامه کتاب در این هر دو نسخه افتاده‌است. چنان‌که مصحح در مقدمه‌اش (صفحه بیست) ذکر کرده، دست‌نویس دیگری از این فرهنگ در لنینگراد (سنت پترزبورگ کنونی) موجود است، لیکن متأسفانه مصحح کتاب را بدان نسخه دسترس نبوده و از مقابله آن با نسخ محفوظ در تهران محروم مانده‌است.

در سال ۱۳۸۹، یادداشتی با عنوان «برگی از مقدمه سرمه سلیمانی» به قلم استاد دکتر علی‌اشرف صادقی در جلد سوم مجله فرهنگ‌نویسی منتشر شد. آقای دکتر صادقی، در این یادداشت، نسخه ویراسته‌ای از رونوشت قلمی استاد فقید خانم دکتر لیدیا اسمیرنوا از صفحه نخست نسخه سنت پترزبورگ را، با حواشی و مقدمه‌ای موجز، به چاپ رسانده‌است. لیکن، از آنجا که اصل نسخه یا تصویر آن در دسترس ایشان نبوده، همچنان نقاط مبهمی در

متن مقدمه سرمه سلیمانی باقی مانده است. انتشار یادداشت آقای دکتر صادقی بهانه‌ای شد تا در یکی از سفرهایم به پترزبورگ سراغ از دست‌نویس سرمه سلیمانی بگیرم و به تشویق ایشان یادداشت حاضر را بنویسم. دو سال پیش از این، تحریر انگلیسی یادداشت حاضر، با تفاوت‌های جزئی، در مجله دست‌نویس‌های شرقی موزه انسان‌شناسی و قوم‌نگاری فرهنگستان علوم روسیه در سنت پترزبورگ منتشر شده است (Shavarebi 2018).

این دست‌نویس با شماره Ms. O 174 در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ نگهداری می‌شود (Salemann et Rosen 1888, pp. 9). در اوایل بهار سال ۱۳۹۴ موفق به دیدن اصل نسخه و بررسی آن در کتابخانه دانشکده شرق‌شناسی شدم و از چند صفحه ابتدا و انتهای آن تصاویری تهیه کردم. از این روی، بر خود واجب می‌دانم که از مساعدت بی‌دریغ خانم دکتر میلانا آزارکینا، رئیس کتابخانه دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، در تهیه تصاویر و اجازه انتشار آنها در مقاله حاضر، از راهنمایی مفید خانم دکتر الگا یاستربوا، استادیار بخش ایران‌شناسی این دانشکده و کتابدار بخش نسخ خطی کتابخانه ملی روسیه در سنت پترزبورگ، و نیز از همکاری سودمند خانم یکاترینا بالاشنکوا، استادیار بخش مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشکده شرق‌شناسی سنت پترزبورگ، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

دست‌نویس پترزبورگ تنها نسخه کامل فرهنگ سرمه سلیمانی است که تا کنون شناخته شده. متن این نسخه در ۱۵۷ برگ به خط نستعلیق خوانا کتابت شده، لیکن کاتب آن بدبختانه بسیار کم‌سواد بوده و محققاً فارسی‌زبان نبوده و فارسی درست نمی‌دانسته است. از این روست که سراسر متن بسیار مغلوط و غیر قابل اعتماد است و کثرت اغلاط املائی و افتادگی حروف و نقاط و سرکج‌ها در بسیاری از موارد به حدی است که مانع درک صحیح متن می‌شود. تنها فایده این نسخه تکمیل نقایص نسخه‌های دیگر در آغاز و انجام کتاب است و برتری دیگری برای این نسخه متصور نیست. در باقی متن، اگر حرف به حرف این نسخه را با نسخ استفاده‌شده در تصحیح دکتر مدبری مقابله کنیم، بعید است دگرگونی چندانی در متن مصحح فرهنگ حادث شود. به صراحت می‌توان اظهار کرد که اگر در هنگام تصحیح سرمه سلیمانی تصویری از نسخه پترزبورگ در اختیار مصحح می‌بود، نه تنها فایده‌ی جز تکمیل مقدمه و انجامه در پی نمی‌داشت، بلکه زحمت تصحیح متن را به واسطه درج اغلاط کثیره نسخه پترزبورگ در حاشیه صفحات دوچندان می‌کرد و اسباب زیادت حجم کتاب چاپی از حیث حواشی بی‌فایده می‌شد.

بر صفحه نخست این نسخه (fol. 1a)، چند یادداشت و اثر مهر بر جای مانده است که از دست به دست شدن نسخه در مقاطع زمانی گوناگون حکایت دارد. یادداشت بالای صفحه از این قرار است: «من مملکات عبد الاقل ابی تراب (؟) بن ابوالفتوح المنجم (؟)، به تاریخ روز دوشنبه هفتم شهر شعبان المعظم سنه ...» ارقام یکان و دهگان سال این یادداشت به دشواری قابل تشخیص است و چیزی شبیه ۲۵ یا ۳۵ می‌نماید، اما ارقام صدگان و هزارگان آن به کلی افتاده است. بنا بر سنجش روز هفته (دوشنبه) با تاریخ روز و ماه (هفتم شعبان)، می‌توان گمان برد که سال مورد نظر ۱۰۳۵ بوده باشد. البته این بازسازی ارقام حدسی بیش نیست و مدرکی دال بر صحت یا سقم آن نداریم. در جانب راست این یادداشت، اثر مهری با جوهر سیاه مشاهده می‌شود، که رنگ آن پخش شده و متش خوانا نیست. کمی پایین‌تر، یادداشت کوتاه دیگری آمده است، بدین قرار: «۱۴ ربیع الثانی ۱۹ عرض دیده شد.» جوهر اثر مهر ذیل این یادداشت نیز پخش شده و نوشته آن محو گردیده است. یادداشت دیگری که در زیر دو یادداشت پیشین آمده چنین است: «هو. قد انتقل الی اقل عباد الله الغنی فی ۱۰ شهر رجب المرجب ۱۱۱۷.» در زیر این یادداشت، اثر مهری دوبار تکرار شده که در انتهای نوشته آن نام «محمدباقر» را می‌توان تشخیص داد، ولی باقی متن به دشواری قابل قرائت است. کمی پایین‌تر، عبارت «مالکه و قابضه» با مرگب قرمز نوشته شده، اما فاقد تاریخ است. ذیل این عبارت، اثر مهر مدوری به رنگ قرمز و با متنی در سه سطر حک شده است. سطر بالا و پایین آن حامل جمله «نصر من الله و فتح قریب» است و در سطر میانی نام «فقیر محمد ...» نوشته شده است. بر حاشیه جانب چپ این صفحه، یادداشتی در حدود بیست سطر کوتاه افقی درج شده، که ظاهراً دستور تهیه ماده‌ای - شاید یک دارو - است.

در وسط همین صفحه، اثر مهری با جوهر سیاه، حامل نشان عقاب دوسر امپراتوری روسیه، بر جای مانده است، که در زیر این نشان، با رسم الخط قدیم روسی، عبارت «[متعلق به] کتابخانه دانشگاه سلطنتی قازان» (Библиотеки Императорскаго Казанскаго Университета)، بر جای مانده است. این مهر نشان می‌دهد که این نسخه، پس از ورود به روسیه و پیش از انتقال به سنت پترزبورگ، در دوران روسیه تزاری برای مدتی در کتابخانه دانشگاه سلطنتی قازان (کازان) در تاتارستان نگهداری می‌شده است. این نسخه یکی از نسخ خطی مشهور به «مجموعه قازان» در کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ است. این مجموعه نسخ خطی، در پی فرمان مورخ ۲۲ اکتبر ۱۸۵۴ تزار نیکالای یکم مبنی

بر گسترش مطالعات شرق‌شناسی در پایتخت و برپایی دانشکده مستقلی برای زبان‌های شرقی در دانشگاه سلطنتی سنت‌پترزبورگ، در سال ۱۸۵۵، تحت نظارت یوسیف گتوالد، از کتابخانه دانشگاه سلطنتی قازان راهی پایتخت امپراتوری روسیه شد و در تاریخ ۲۲ اوت ۱۸۵۵ به کتابخانه دانشگاه سلطنتی سنت‌پترزبورگ رسید (درباره نسخ خطی «مجموعه قازان» بنگرید به: Abdullaeva 2013; Образцов и Азаркина 2016; Obratsov, Azarkina, and Slesarev 2018). در حاشیه سمت راست صفحه نخست، دو شماره ثبت ۱۹۳۳ و ۱۴۶۱ با جوهر آبی نوشته شده که هر دو شماره را بعداً با جوهر قرمز خط زده‌اند. در حاشیه مرمتی این صفحه، تاریخ و شماره ثبت دیگری به روسی با جوهر آبی درج شده، که از این قرار است: «شماره ثبت ۱۶۶۵ — سال ۱۹۳۵». نهایتاً، در پایین همین صفحه، شماره ثبت فعلی نسخه یعنی Ms. O 174 با جوهر سیاه نوشته شده است.

صفحه نخست مقدمه فرهنگ (fol. 1b) چیزی جز تحمیدیه نیست و هیچ آگاهی سودمندی درباره فرهنگ یا مؤلف آن به دست نمی‌دهد. در انجامه کتاب، در باب فایده این فرهنگ و علت پرهیز مؤلف از نقل شواهد منظوم، سخنی کوتاه آمده است. ختم کلام ده بیت شعر است. مهم‌ترین فایده انجامه این نسخه به دست دادن تاریخ اتمام کتاب است که تا کنون محل پرسش و گمان مانده بود. در مصراع پایانی شعر انتهای انجامه (fol. 157a)، تاریخ اتمام کتاب به صورت ماده‌تاریخ «بدیده هست به [از] سرمة سلیمانی» ذکر شده است. در نسخه، زیر این مصراع عدد ۸۸۶ نوشته شده است که قابل اعتنا نیست. قبلاً نیز کارل زالیمان به درستی بی‌اساس بودن عدد ۸۸۶ را دریافته بود، ولی موفق به تصحیح مصراع ماده‌تاریخ و کشف تاریخ تألیف کتاب نشده بود (Salemann 1884, S. 76). اگر تصحیح ما از مصراع پایانی درست باشد، عدد ماده‌تاریخ، یعنی مجموع ارزش حروف به حساب ابجد، برابر با ۱۰۱۱ است. اوحدی بلیانی، به گفته خودش، در سوم محرم ۹۷۳ هجری در اصفهان متولد شده است. لیکن از طول عمر و تاریخ وفات او آگاهی موثقی در دست نیست. از وی اشعاری مورخ سال‌های ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ هجری بر جای مانده، که حاکی از حیات او در آن سالها است (بنگرید به مقدمه مصحح سرمة سلیمانی، صفحات سه و چهار). در تذکره الشعراء عبدالغنی خان صاحب غنی (صفحه ۳۳)، تاریخ وفات اوحدی سال ۱۰۵۰ هجری ثبت شده است. با این اوصاف، ماده‌تاریخ انجامه فرهنگ سرمة سلیمانی تناقضی با معلومات احوال اوحدی ندارد. پیش از این، مصحح سرمة سلیمانی (در مقدمه مصحح، صفحه پانزده، پانوش ۸)، بنا بر شواهد موجود در تذکره عرفات العاشقین، تألیف فرهنگ

سرمه سلیمانی را به زمان اقامت مؤلف در اصفهان میان سال‌های ۱۰۰۹ تا ۱۰۱۵ هجری منتسب کرده بود. اکنون، کشف ماده تاریخ ۱۰۱۱ در انجامة نسخه پترزبورگ این فرض را تأیید می‌کند و تاریخ دقیق اتمام نگارش کتاب را به دست می‌دهد.

بر پشت صفحه پایانی انجامة کتاب (fol. 157b)، تاریخ و محل استساخ نسخه چنین ثبت شده است: «کتاب سرمه سلیمانی در علم لغه فرس به تاریخ ۲۴ شهر جمادی الاولی ۱۰۶۱ در بلدة فاخره ملتان (کذا) صانها الله تعالی عن الحدثان نویسانیده شد. والله الموفق بمطالعه». از آن به بعد، متن نامرتبیطی به زبان عربی در همین صفحه آغاز می‌شود. از عبارت مذکور چنین برمی‌آید که این نسخه دقیقاً نیم‌قرن پس از اتمام فرهنگ و احتمالاً حدود یک دهه پس از وفات مصنف فرهنگ کتابت شده است. درباره محل کتابت نسخه نمی‌توان نظر قطعی داد، زیرا متأسفانه نام محل کتابت در نسخه بدون نقطه نوشته شده است و صحت خوانش این نام محل تردید باقی می‌ماند. محتمل‌ترین صورتی که برای خوانش این نام می‌توان پیشنهاد کرد شهر ملتان در پنجاب است. این گمان، اگر درست باشد، اتفاقاً می‌تواند شاهدی باشد بر بیگانگی کاتب با متن و فقر سواد فارسی او.

در ادامه، متن ویراسته‌ای از آغاز مقدمه و انجامة فرهنگ سرمه سلیمانی بر پایه نسخه کامل سنت پترزبورگ به دست داده می‌شود تا افتادگی‌های نسخه‌های مرجع چاپ دکتر مدبری رفع گردد. در تصحیح صفحه نخست مقدمه کتاب، مواردی که با ویرایش دکتر صادقی متفاوت است در حاشیه ذکر می‌شود. تصحیح و رفع برخی اشکالات متن انجامة مرهون تیزیبنی و حدس‌های صائب آقایان دکتر احمدرضا قائم‌مقامی، علی صفری آق‌قلعه و مسعود راستی‌پور است. از ایشان برای یاری بی‌دریغشان سپاسگزارم. در پایان این یادداشت، تصاویر صفحه‌های ابتدا و انتهای نسخه پترزبورگ آورده می‌شود.

مقدمه کتاب

[fol. 1b]

فرهنگ سروری یا کتاب سرمه سلیمانی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

اللهم [اجعل] التقوى^۲ زادنا و الانبياء شفعا^۳ انك على كل شيء قدير و بالاجابة جدير. بهتر لغتی^۴ که متکلمان بدیع‌البیان زبان‌آوری، یعنی بلبان گلستان کمال، و نکوتر^۵ نکتی که منشیان غریب^۶ اللسان سخنوری، یعنی طوطیان شکرستان مقال، زبان بلاغت‌بیان را به آن^۷ متکلم و لسان فصاحت‌نشان را به آن مترنم فرمایند، شکر و ستایش احدیست پروردگار جلت^۸ عظمته، و حمد و نیایش^۹ واحدی آمرزگار عظمت^{۱۰} قدرته، که به اقتضای^{۱۱} ارادت ازلی نقطه تعین مدار وجود بیرنگش^{۱۲}، که ذات مطلق معرّا از لباس تقیدات اسما[ع] و صفات [است]^{۱۳}، به مجرد^{۱۴} التیام کاف [و] نون^{۱۵} در حین ظهور کنز^{۱۶} مخزون^{۱۷}، ابداع دیوان با برکات وجود و اختراع کلمات متبرکات غیب و شهود، که [fol. 2a] به لغت اهل

۱. ظاهراً در رونوشت خانم دکتر اسمیرنوا این نام به صورت سرمه سلطانی ثبت شده بوده و به همین شکل به ویرایش دکتر صادقی راه یافته است. البته سبک نگارش کاتب به گونه‌ای است که این بدخوانی را تا حدی موجه می‌سازد.
۲. اصل: تعی.
۳. اصل: قمانیا.
۴. اصل: نعتی؛ در ویرایش دکتر صادقی این واژه به نقل از زنده‌یاد استاد عباس زریاب به «لغتی» تصحیح شده است.
۵. اصل: نکوترین؛ به جهت حفظ سجع متن و به قیاس عبارت «بهتر لغتی»، احتمالاً باید صفت عالی «نکوترین» را نیز به صفت تفضیلی «نکوتر» تصحیح کرد.
۶. در ویرایش دکتر صادقی به نقل از استاد زریاب به «عذب» تصحیح شده است.
۷. در متن دکتر صادقی «به آن» (اصل: بان) افتاده است.
۸. اصل: جل؛ تصحیح از دکتر صادقی است.
۹. اصل: ثنایش؛ تصحیح از دکتر صادقی است.
۱۰. اصل: عظیم؛ تصحیح از دکتر صادقی است. از آنجاکه اشتباه یکسانی در هر دو عبارت «جلت عظمته» و «عظمت قدرته» رخ داده، احتمال تصحیف کاتب بسیار کم است و گمان می‌رود که این اشتباه از مؤلف باشد.
۱۱. نسخه کتابخانه ملک از اینجا شروع می‌شود؛ بنگرید به چاپ دکتر مدبری، صفحه ۱، پانویس ۱.
۱۲. اصل: نیرنگش؛ نسخه کتابخانه ملک: یرنگش؛ در ویرایش دکتر صادقی این واژه به صورت «بیرنگش» (در حاشیه: شاید بیرنگش) تصحیح شده است.
۱۳. «است» بر اساس نسخه ملک، به اعتبار چاپ دکتر مدبری، افزوده شده است.
۱۴. اصل: بمحرد.
۱۵. اصل: سون.
۱۶. اصل: که؛ تصحیح بر اساس نسخه کتابخانه ملک است.
۱۷. اصل: محزون.
۱۸. نسخه دانشگاه تهران از همین جا آغاز می‌شود و افتادگی ابتدای آن دقیقاً برابر با صفحه اول نسخه پترزبورگ

تحقیق عبارت از اعیان ثابتة و محیط و مرکز صاعده^۱ و هابطه^۲ است، بر وجه احسن فرمود آفرین فتبارک الله احسن [ال]خالقین... .

انجامه کتاب

[fol. 156a] ... اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب^۳. وصیة الاخوان: استدعا از اهل تمیز^۴ و انصاف که عرفای زمان معرفتند آنست^۵ که اگر در این مختصر اسمی از اسما[ء] یا لفظی از الفاظ غیر فرسی^۶ لکنکته^۷ لطیفه^۸ او مصلحه بدیعه سیمت^۹ دوردویدن (کذا) گرفته^{۱۰}، در سلک دُر[ر] غُرر فرسی^{۱۱} کشیده شده باشد، زبان اعتراض نسبت به قائل^{۱۲} در کام خموشی کشند^{۱۳}، که اگرچه ظاهراً ناشایست است^{۱۴}، اما باطناً از فایده خالی نیست. و چون شاهد^{۱۵} این لغات را [به ز]یور^{۱۶} اسناد شعری ملبس^{۱۷} ساختن موجب تطویل^{۱۸} کلام درین مرام بود، بناءً^{۱۹} علی ذلک^{۲۰}، در اختصار کوشیده^{۲۱}، که سیه خطان^{۲۲} الفاظ^{۲۳} او را از^{۲۴} لباس استدلال و اسناد^{۲۵} شعری معری^{۲۶} و میرا جلوه داد (کذا)، چنانکه فرمود [ه]اندع^{۲۷}: «حاجت مشاطه

۱. اصل: ساعده.

۲. اصل: هابط.

۳. اصل: مات. متن ویراسته دکتر مدبری با این جمله به پایان می‌رسد: «والله اعلم بالصواب والله مرجع والمآب» (صفحة ۲۶۵).

۴. اصل: نمیر.

۵. اصل: معرفتند است.

۶. اصل: عر.

۷. اصل: للکنکته.

۸. اصل: رفته.

۹. اصل: فرشی.

۱۰. اصل: نسبت نماند.

۱۱. اصل: خموسی کنید.

۱۲. اصل: ناساست.

۱۳. اصل: شاهد.

۱۴. اصل: نور.

۱۵. اصل: نلبس.

۱۶. اصل: بطویل.

۱۷. اصل: نا.

۱۸. اصل: دلک.

۱۹. اصل: احطار کوشیده.

۲۰. اصل: سعه حطان.

۲۱. اصل: الفاظ.

۲۲. اصل: در.

۲۳. اصل: اساد.

نیست روی دلارام را^۳. و مخفی نماند که اجتماع^۴ لغات کل واحداً السنه^۵ متعارفه و شایعه و غیره بر وجه^۶ حصر متعسر^۷ بلک متعذر^۸ است و همچنانکه ظهور کُنه^۹ اسماء و صفات ذات الهی^{۱۰} جل جلاله ناممکنست [fol. 156b] و جلوه آلائی نعمات که^{۱۱} شئونات^{۱۲} (کذا) نامتناهی آن حضرتند از حیز حصر و حد متجاوز است^{۱۳}، احاطه کل مراتب [ا] اعداد و الفاظ نیز^{۱۴} در نظر^{۱۵} دانا یان حق‌الیقین^{۱۶} بعینه چنانست که عبور و مرور بر اقصای احصای هر یک ممتنع و محالست، چه هر فرقه بل^{۱۷} هر شخصی را بنا بر کلیه «لا مشاحه فی^{۱۸} الاصطلاح» قدرت و اختیار بر وضع لفظی و اصطلاحی هست^{۱۹}، پس به قدر امکان و وسع ظرف جود هر کس نشاء توفیق یافته، ساغری^{۲۰} چند ازین^{۲۱} شراب^{۲۲} روحانی نوشیده^{۲۳} است. و غرض^{۲۴} غرض^{۲۴} از تمهید این مقدمات کلا (؟)^{۲۵} عذر^{۲۶} است فی الجمله در قصور و اختلال این

۱. اصل: معزی.
۲. اصل: ع.ع.
۳. این مصراع از دیباجه گلستان سعدی گرفته شده است.
۴. اصل: اجتماع.
۵. اصل: استه.
۶. اصل: وحر.
۷. اصل: متعسر.
۸. اصل: متعذر.
۹. اصل: کته.
۱۰. اصل: آلهی.
۱۱. اصل: نعماکت.
۱۲. اصل: سیونات.
۱۳. اصل: متجاوز.
۱۴. اصل: نیر.
۱۵. اصل: بنظر.
۱۶. اصل: اللعین.
۱۷. اصل: بل.
۱۸. اصل: مساحه می.
۱۹. اصل: احسار بر وضع لفظی و اصطلاحی بست.
۲۰. اصل: ارین شاعری؛ واژه نخست که باید «ازین» باشد تکرار شده و در اینجا باید حذف شود.
۲۱. اصل: ارین.
۲۲. اصل: سراب.
۲۳. اصل: پوشیده.
۲۴. اصل: عرض.
۲۵. اصل: طوطا.
۲۶. اصل: عذر.

کتاب. امید که مسموع ادراک ا[و]لولالباب گردد. بمنّه^۱ وجود[ه] والله اعلم [ب]الصواب

والیه المرجع [و]المآب. قطعة التاريخ^۲:

لغات^۳ ما که چو^۴ کحل جواهرست^۵ به چشم

به چشم^۸ زمره^۹ بینش^۹ که عین ادراکند

که نامش^{۱۰} از پی آن سرمه سلیمانیت

به تختگاه بیانش که عرش تحقیقت^{۱۳}

به جلوه‌گاه معانی که بزم الفاظست^{۱۷}

[fol. 157a] به دیده [به]^{۱۹} بود ار سرمه سلیمانیت

ز اکتحال^{۲۱} وی اصحاب نطق^{۲۲} و انشی^{۲۳} را

به او ز^{۲۵} چهره معنی که عین آب بقاست

و زوست [؟...]^۶ بزم وجود^۷ انسانی

چو دیده باد منور به نور ایقانی

که می‌نماید^{۱۱} (کذا) ازو شاهدان پنهانی^{۱۲}

هزار^{۱۴} یوسف مصری لقاست^{۱۵} زندانی^{۱۶}

پی مشاهده^{۱۸} شاهدان روحانی

چنانک به بود انسی به رتبه از جانی^{۲۰}

ضیاءپذیر شود^{۲۴} دیده سخندانی

توان چو خضر^{۲۶} کشیدن نقاب ظلمانی^{۲۷}

۱. اصل: نمه.

۲. اصل: الناریح.

۳. اصل: لغات.

۴. اصل: حو.

۵. اصل: جواهرست.

۶. وزن مصراع خراب است و در اصل باید یک کلمه از قلم افتاده باشد، شاید «خرم» یا «روشن».

۷. اصل: برم و خود.

۸. اصل: بحشم.

۹. اصل: بسس.

۱۰. اصل: نامس.

۱۱. اصل: نماند.

۱۲. اصل: پنهانی.

۱۳. اصل: بتختگاه بیانس که عرس بحفست.

۱۴. اصل: هزار.

۱۵. اصل: لقاست.

۱۶. اصل: زندانی.

۱۷. اصل: نرم الفاظست.

۱۸. اصل: بی مشاهده.

۱۹. در اصل باید یک واژه افتاده باشد. تصحیح به قرینه مصراع بعد است.

۲۰. اصل: برمه ارحانی.

۲۱. اصل: راکتجال.

۲۲. اصل: طوی.

۲۳. اصل: کالی (؟).

۲۴. اصل: سود.

۲۵. اصل: باور.

۲۶. اصل: حو خضر.

۲۷. اصل: نقاب ظلمانی.

چو نور دیده عزیزش به چشم جان می‌دار^۱
چو یافت زیور اتمام گشت تاریخش^۲
تَمّت تمام شد، کار من نظام^۳ شد.
کزو^۴ رسی به بنفشه^۵ خطان غیبانی (کذا)
بدیده هست به^۶ [از] سرمه سلیمانی

منابع

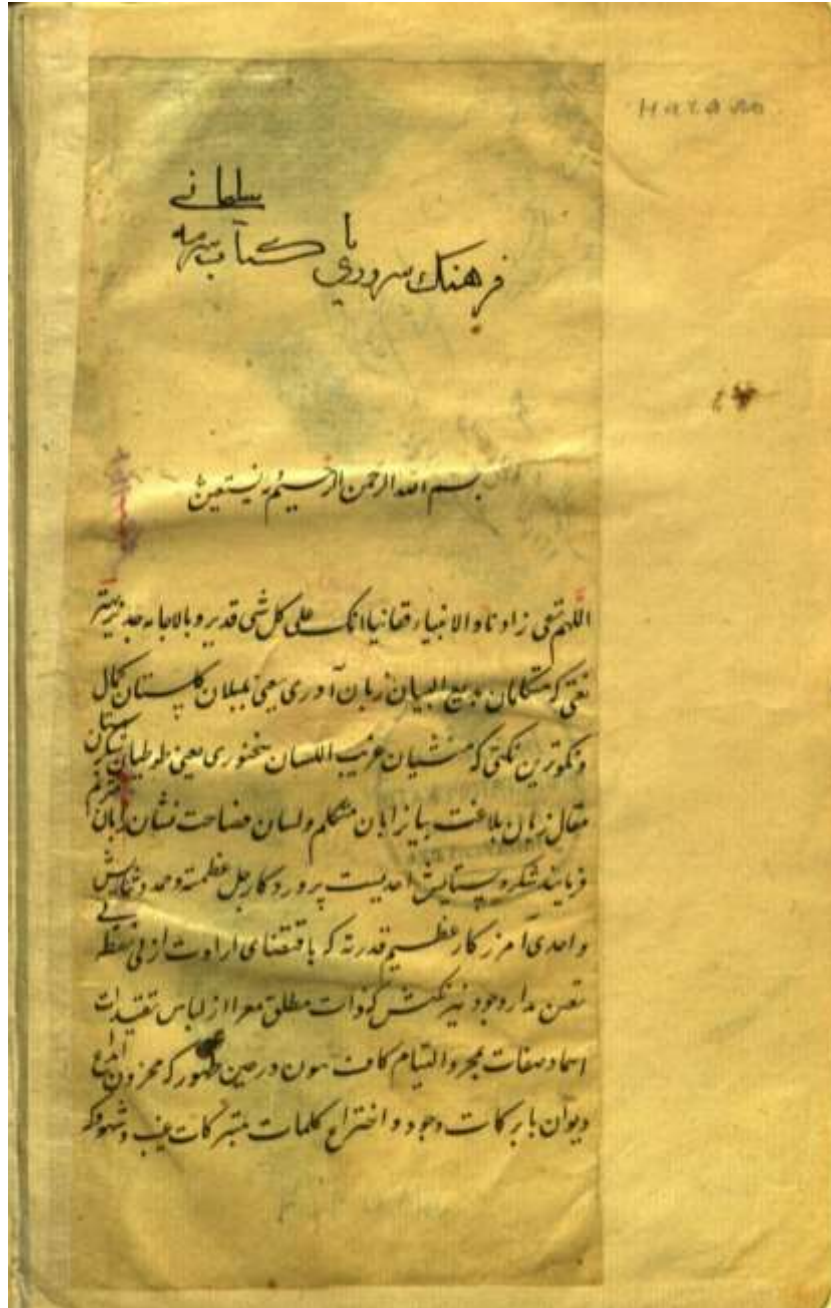
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین، سرمه سلیمانی، به تصحیح و حواشی محمود مدبری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۴.
- صاحب غنی، عبدالغنی خان، تذکرة الشعراء، به اهتمام محمدمقتدی خان شروانی، چاپ سنگی علیگره، ۱۹۱۶.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۹)، «برگی از سرمه سلیمانی»، فرهنگ‌نویسی: ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، جلد سوم، صفحات ۲۴۹-۲۵۱.
- Abdullaeva, F. (2013), "The Persian Manuscript Collection of St. Petersburg University: Gotwald's Curse?", in: R. M. Kerr and Th. Milo (eds.), *Writings and Writing from Another World and Another Era: Investigations in Islamic Text and Script in Honour of Dr. Januarius Justus Witkam, Professor of Codicology and Palaeography of the Islamic World at Leyden University*, Cambridge: Archetype, pp. 1-23.
- Azarkina, M., Obratsov, A., and Slesarev, T. (2018), "Ottoman Manuscripts from Kazan of M. Gorky Research Library, St. Petersburg State University", *Manuscripta Orientalia*, Vol. 24, No. 1, pp. 26-34.
- Salemann, C. (1884), "Recension zu P. de Lagarde, *Persische Studien* [Abhandlungen der historisch-philologischen Classe der königlichen Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen, Band XXXI], Göttingen, 1884", *Literatur-Blatt für orientalische Philologie*, Band 2, Leipzig, S. 74-86.
- Salemann, C. et Rosen, V. (1888), *Indices alphabetici codicum manu scriptorum persicorum, turcicorum, arabicorum qui in Bibliotheca Imperialis Literarum Universitatis Petropolitanae adservantur* [Списокъ персидскимъ, турецко-татарскимъ и арабскимъ рукописямъ Библиотеки И. СПб Университета], Petropolis [Санкт-Петербург].

۱. اصل: عزیزش بحسم حانمیدار.
۲. اصل: کرو.
۳. اصل: بعسه.
۴. اصل: کست تاریخس.
۵. اصل: به.
۶. اصل: کامن نظام.

- Образцов, А.В. и Азаркина, М.А.** (2016), “Турецкие рукописи «казанской коллекции» в фонде Научной библиотеки им. М. Горького СПбГУ”, *Актуальные вопросы тюркологических исследований: к 180-летию кафедры тюркской филологии Санкт-Петербургского государственного университета*, СПбГУ, Санкт-Петербург, с. 467-475.
- Shavarebi, E. (2018), “The Persian Dictionary *Sorme-ye Soleymānī* (Early 11th/17th Century) and Its Manuscript in the Library of the Oriental Faculty of St. Petersburg State University (Ms. O 174)”, *Manuscripta Orientalia*, Vol. 24, No. 1, pp. 61-67.



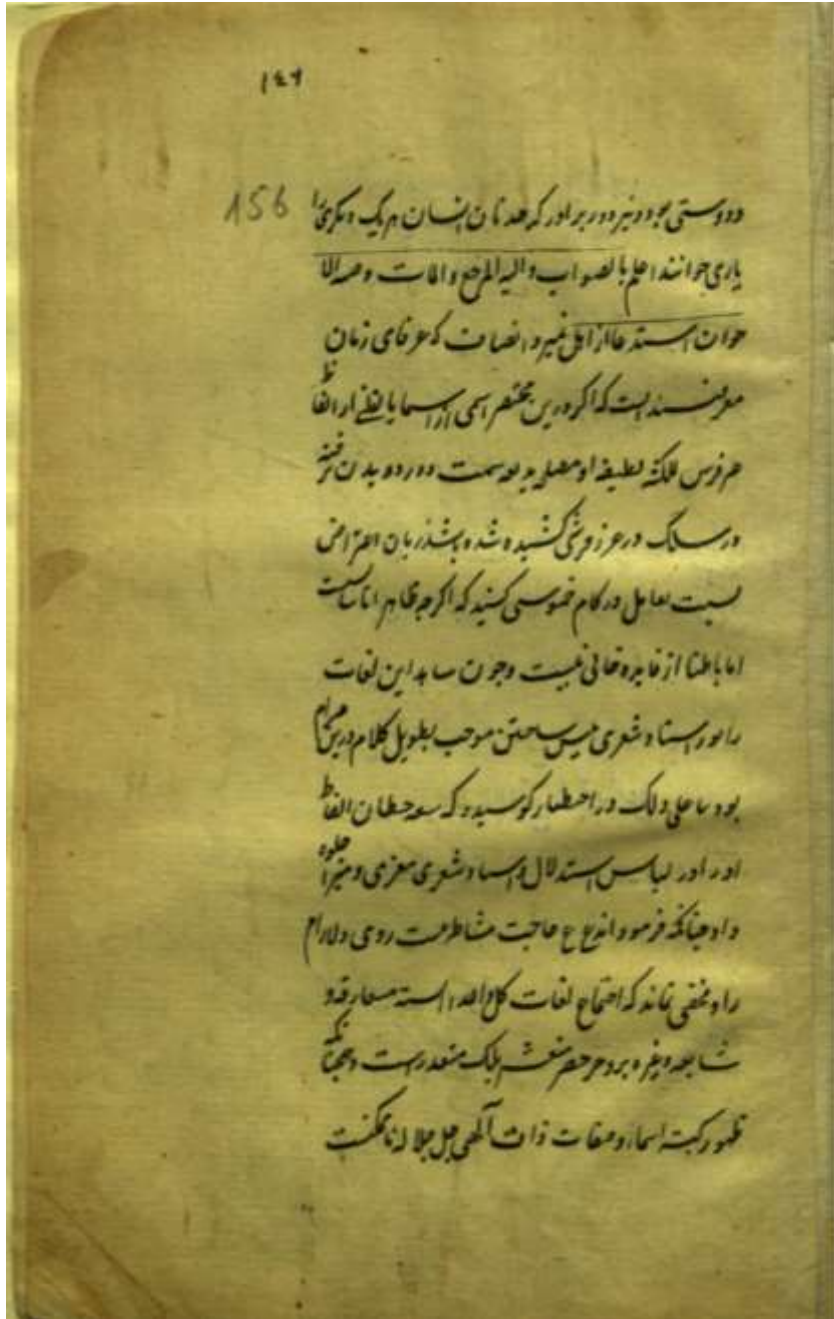
صفحة نخست نسخه (fol. 1a)



صفحة آغاز مقدمة فرهنگ (fol. 1b)



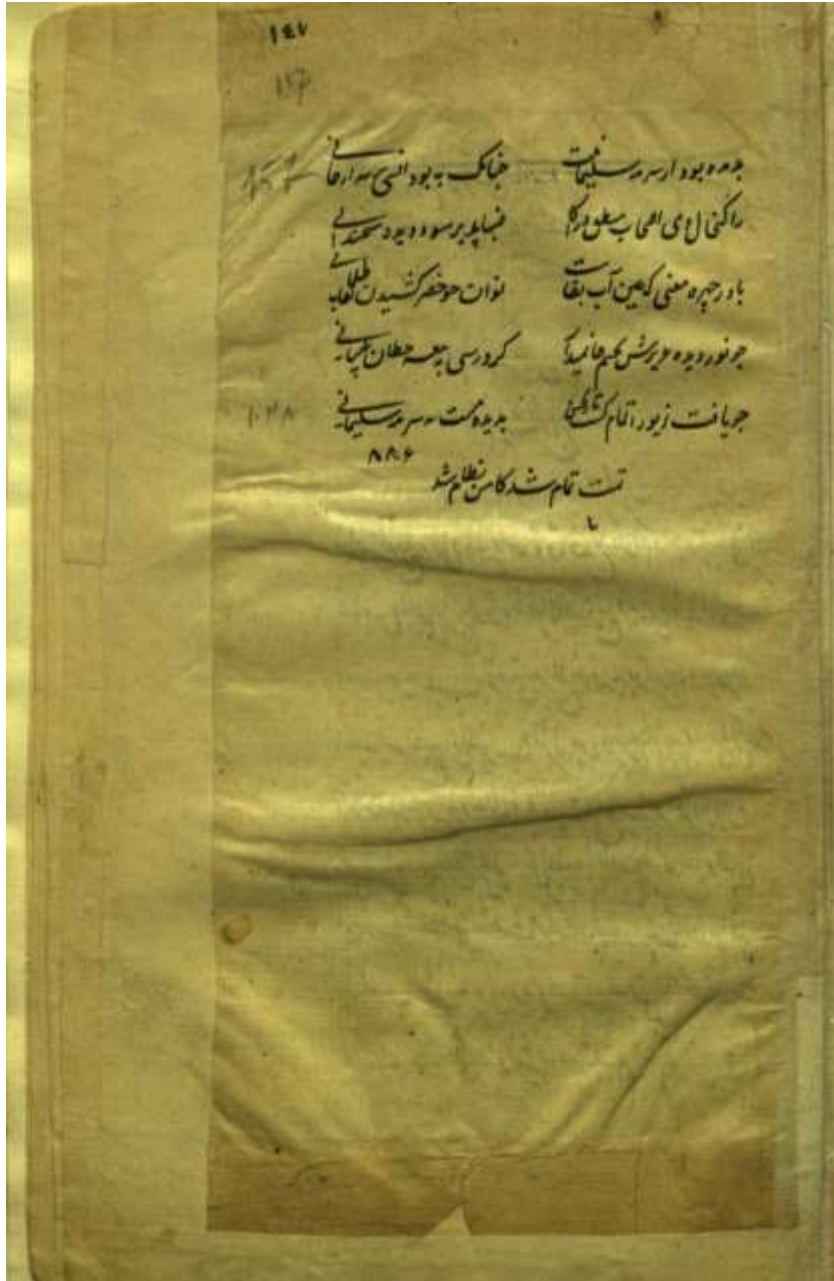
صفحة دوم مقدمة فرهنگ (fol. 2a)



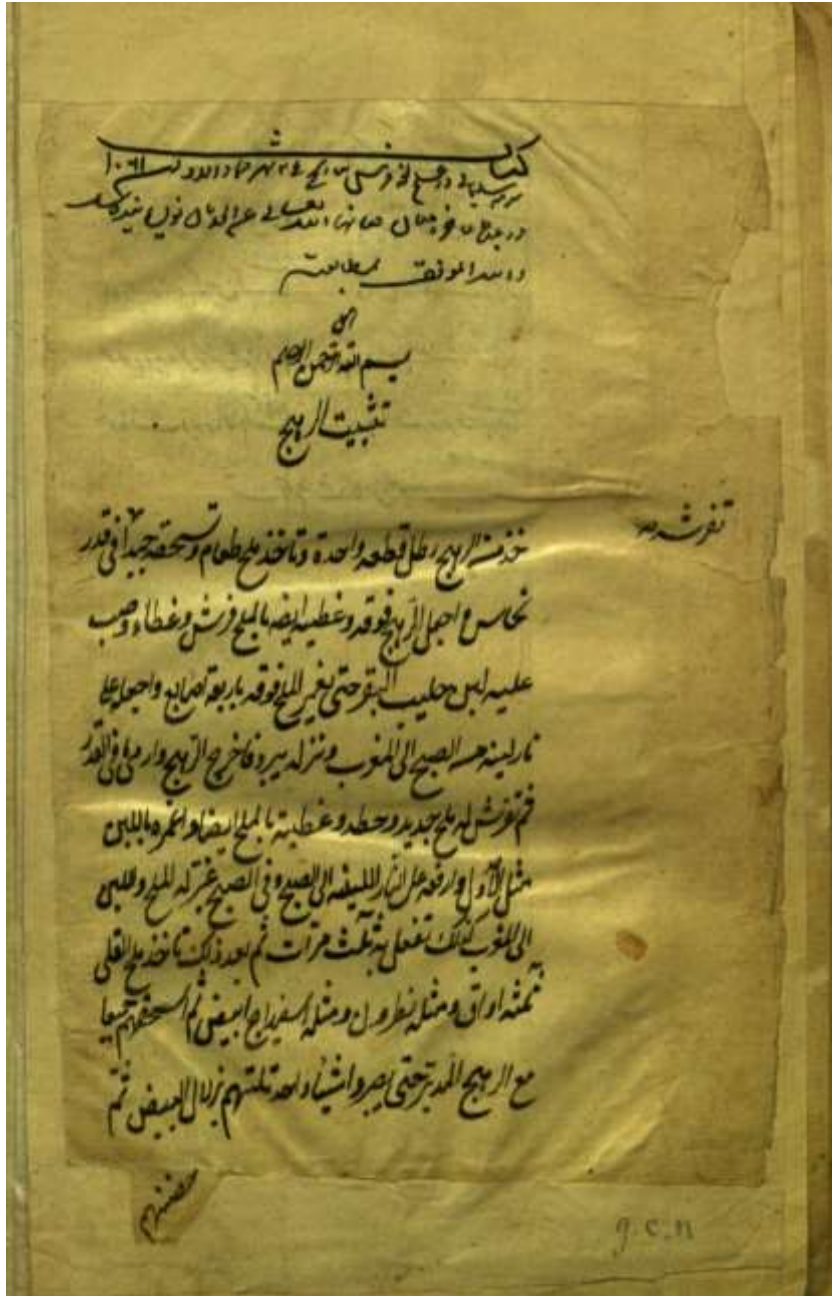
صفحة نخست انجامة فرهنگ (fol. 156a)

و جلوه آتشی نفاک سبوبات نامنتهای بخت‌نند از هر چه
و حد متجاوز است احاطه کل بر است عدا و الفظایر و تریط
و انبایان حق اللعین بعینه جنات که عسور و مرور بر تها
اصحای هر یک مشغول است هر فرد علی شخصی اینبار
کلایا سحر می‌المطالع قدرت و احار و مع لطف
و مصلحتی مست پس بنده را مکان و وسع طرف هر چه کس
نشد ترفیق یافته ابرین شامی چند ابرین سراب و دهانی
و سوس از نمیدان مقدمات طوطا حدیثت فی الجود و تصور
از هلال این کتاب امید که مسجود او را ک الوالاباب کرد
مرد و مرد و همه عالم العسور و الی المرجع و التایقه و التایقه
نجات با کمالی که در چشم و دوست بر دم دود
بجزم نیز تهرس که بین او که کند هر وید و با صورتی نو در این
که با سس آن سر سسیت که فاند از پیش بدان سپاه
نخجا و بیاس که کس است هر اریوست صحری التاس
بکلیه کار معانی که ترم الف لی ساده و شادان روحا

صفحة دوم انجامة فرهنگ (fol. 156b)



صفحهٔ پایان انجامة فرهنگ، حامل ماده تاریخ تألیف فرهنگ (fol. 157a)



صفحه پشت انجامة فرهنگ، حامل تاريخ و محل كتابت نسخه (fol. 157b)